

# بزرگان

❖ ۴ ❖

( حیوة حزبی — دموکرات )

ناصر الملك در ۱۳۲۷ که مجلس دوم را افتتاح کرد بوکلای مجلس پیشنهاد نمود که باید مملکت دارای دو حزب سیاسی یا احزاب سیاسی باشد - و بالاخره حزب دموکرات یعنی احرار تندرو - و حزب اعتدال یعنی احرار میانه‌رو در مجلس بوجود آمد و اکثریت مجلس طبعاً با احرار میانه‌رو - حزب اعتدال - دایر گردید - و حزب دموکرات در اقلیت ماند .

این دو حزب بوسیله دولت و وزارتخانه‌ها ، مأمورینی بولایات کسب کردند و در ضمن مأمورین مزبور را به تشکیل احزاب خود در ولایات و ادار میکردند - در خراسان قوت با مأمورین دموکرات بود - آزادینخواهان خراسان مترصد بودند - هرکس از احرار طهران که بمشهد می‌آمد از وی دیدن کرده احوال مرکز را می پرسیدند و چون مأمورین مزبور که یکی از آنها ( حیدر خان عمواقلی ) انقلابی و زنی تیره بخت معروف بود - همه از حزب دموکرات بودند - ناگزیر سران احرار خراسان که آقای بهار هم یکی از آنها بود بسوی این حزب که بالنسبه اعضایش در مرکز تندروتر و فعال تر بنظر میرسیدند و مراسمشان با تجدد و اصلاحات بیشتر قرابت داشت ، کشیده و جذب شدند و کمیته دموکرات ایالتی در حدود ۱۳۲۹ در مشهد بعضویت مرحوم آقا شیخ محمد جواد قویترین افراد مشروطه خواه خراسان ( دائی آقای بهار ) و جمعی دیگر از احرار و آقای بهار دایر گردید .

اینجا هم باز بهتر دانستیم فصل مختصری از قلم خود آقای بهار که برای مدرسه امریکائی نوشته اند نقل کنیم :

در این قسمت هم روح تند و طبع شجاع آقای بهار آرام نگرفت و حساس ترین نقطه عادت عمومی را که حجاب نسوان بود، بیاد انتقاد گرفته دست از زه خامه برداشته شروع به تیرباران کرد - مقاله اول ( زن مسلمان ) دوم - سوم - چهارم فریاد از نهاد خراسانیان غیر مأنوس بر آورد. مقالات تجدد و انقلاب - روح دیانات. و غیره هیچانی بر ضد شاعر جوان که حالا یکی از نویسندگان معروف و شجاع نامیده میشود، بوجود آمد و عاقبت مقدسین ساده لوح ایشانرا تکفیر کردند چنانکه خود شاعر گوید:

نوبهاری ساختم ز اندیشه های رنگ رنگ کاندران جز لاله و نسربین سیسنبر نبود  
 از خدا بیگانه ام خواندند اندر ملک طوس از خدا بیگان اما به پیغمبر نبود!  
 لیکن دوستی و مهر مفرط مرحوم شاهزاده نیرالدوله والی خراسان نسبت به بهار بمناسبت علقه و مهمری که بمرحوم ملک الشعرا صبوری داشته بود مانع از اضرار خشک مقدسین شده و در همین گیر و دار جنک بین المللی هم بداد شاعر تندرو رسیده و نغمه گان تازه قیامت کبری قیام کوچکی را که بر ضد روزنامه کوچک نوبهار شده بود از بیادها برده و نوبهار هم هواداری خود را نسبت بقشون آلمان و نشر فتوحات قیصر در بلژیک با آب و تاب شروع بنوشتن کرد در صورتیکه قبلا روسها از وی ( بقول خود شاعر ) التزام گرفته بودند که داخل در سیاست نشود لیکن جنک عمومی تمام قواعد را که منجمله بی طرفی بلژیک بود درهم شکست و ناچار بهار هم التزام خود را با صدای اولین توپ کرپ پاره نموده داخل سیاست شد !!! اما روس قوی بود - نوبهار توقیف شد - موقع انتخاب هم رسیده و بهار در انتخابات هم باب دل دوستان راه نمیرفت بالاخره توقیف شد... ولی دست و پای کاملی از طرف دوستان او شده و از سه ولایت - درکز

کدالات . سرخس . بوکالت مجلس ملی انتخاب آمد و بلافاصله برای حضور در مجلس از خراسان حرکت کرد .

در مجلس سوم مقالات نوبهار در باره آزادی نسوان و رفع حجاب گریبان شاعر محترم را گرفت !

فراکسیون اعتدال کوچک - یعنی هیئت علمیه که بریاست آقای مدرس تشکیل شده بود و قسمتی از اعتدالیون با بهار مخالفت کردند که بهر قیمتی شده است او را از مجلس رد کنند - نویسنده شنیده است که احیاناً سر دسته های دموکرات از قبیل سلیمان میرزا و غیره هم پیر بی میل نبودند که این عنصر تندرو را از سر خودشان وا کنند یا او را با دوسه نفر از گردن کشان اعتدال که اسباب زحمت همه شده بودند از قبیل حاج آقای شیرازی (مرحوم) عوض بدل نمایند! ....  
لذا تصویب اعتبار نامه آقای بهار ششماه بتعویق افتاد - تا بعد ها بقوت مقالات نوبهار تصویب شده و مخالفین منکوب آمدند .

### دوره های وکالت و روزنامه نویسی

در ۱۳۳۵ مهاجرت معروف پیش آمد - بهار هم جزو مهاجرین بود در قم از طرف کمیته دفاع ملی بمقام وریت رفته در آن راه دستش میجروح و بسبب آن جراحی از رفتن با مهاجرین بحکم طبائی که دولت از طهران فرستاده بود ممنوع و بهمراه آقای ارباب کیخسرو شاهرخ رئیس مباشرت مجلس شورای ملی بطهران برای معالجه آورده شد - چند ماهی در طهران بمعالجه پرداخته باحال ناخوشی با مرکابینه وقت (مرحوم سپهسالار) بخراسان تبعید شد و در بجنورد متوقف گردید .

بعد از ششماه بطهران احضار شده و روزنامه نوبهار را دایر کرده و در سنه ۱۳۳۹ بسمت وکالت برای دوره چهارم از بجنورد انتخاب شد :

دوره دانشکده که مروج افکار انجمن دانشکده بود درین مدت در طهران انتشار یافت و مدیریت روزنامه ایران که اول با آقای مالك زاده و سپس با خود بهار بود در این دوره انجام پذیرفت - دوره چهارم وکالت آقای بهار - با کشاکشهای سخت ملی و اجتماعی که حاکی از آخر عمر سلسله قاجاریه و نفوذ بی نهایه سفیر بالشویک در طهران و مخاطرات سیاسی زیاد بود طی میشد - نوبهار هفتگی در این دوره نشر شد و در مقابل هرج و مرج و نفوذ سیاست روس بالشویک بهار مخالفت خود را بروز داد زیرا دیگر آن هیجان جوانی و حس انقلابی در بهار دیده نمیشد - و مقالات مفصلي که حاکی از لزوم مرکزیت و قدرت دولت و امنیت و اصلاحات علمی و معارفی است، در آن دوره بقلم آقای بهار جاری شده و هر يك یکی از شاهکارهای نوبهار محسوب میشود مانند ( دما کوژی ) ( آزادی ) ( ملت کیست ) ( نسل معاصر ) ( تسلیت بد بختان ) و غیره و غیره - که این مقالات موجب ایجاد افکار تازه و هیجان آمیز دیگری شده و میتوان انقلاب اخیر را اثر قلم آقای بهار و معجزه او وهم قلمان و رفقای ادبی وی دانست!

در آخر دوره چهارم - قدرت قاجاریه بنقطه صفر رسید چه افکار آزادی خواهان دیری بود از پادشاه وقت رمیده بود - نفوذ روسها نیز طبقه صاحب علقه را بیمناک ساخته، و هیاهوی سوسیالیست ها هم که از حیث عده کم و از حیث اغوغای لفظی پر سر و صدا بودند، زیاد تر طبقات بورژوازی و روحانیون را منزجر ساخته و تشکیلات وزارت جنگ و فتوحاتیکه قائد و پیشوای انقلاب اخیر ایران ( اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداء ) در گیلان و خوزستان کرده بود - تأئید کرده، قدرت وزیر جنگ فوق اقتدارات قرار گرفت و مجلس چهارم تمام شده و انتخابات مجلس پنجم در این میانه آغاز شد.

آقای بهار از ترشیز در این دوره انتخاب شد - و در دوره ششم هم از طهران انتخاب شد و بعد از ختم دوره ششم از سیاست کناره گرفته و به جمع آوری آثار و اشعار خود پرداخته و غالب اوقات ایشان در خانه ای که دور از شهر در میان درختان ایجاد شده میگذرد و با امور معارفی کمک مینمایند و بکلی از سیاست و مداخله در آن احتراز دارند .

### آثار ادبی آقای بهار

آثار نثری آقای بهار - سوای مقالات ادبی و اجتماعی که زیاده از پنجاه هزار بیت کتابت است - و صرف نظر از مقالات سیاسی که از صد هزار بیت تجاوز میکنند عبارتست از دوره دانشکده - نوبهار ادبی هفتگی - رومان شیرین (کنیزان سفید) که دریاورقی ایران بومیه چاپ شده و رومان تاریخی (قبر امام رضا ۴) که حاکی از بمباردمان روس در ۱۳۳۰ بقبر حضرت امام رضا علیه السلام است و تصحیح و اصلاحات تاریخی که در دست طبع و نشر است - و تصحیح و اصلاحات تاریخ طبری که مشغول بدان میباشد

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آثار نظمی آقای بهار - دیوان شعر ایشان است که قریب هیجده هزار بیت تاکنون مدون شده از قصیده - غزل - قطعه - مثنوی - رباعی که فعلا در شرف طبع و انتشار است و امید میرود که بزودی بنظر قارئین محترم برسند -

انتهی